

تأثیر هشدار در انتقای مسؤولیت مدنی پزشکان

محمد مهدی مقدادی^۱

چکیده

تأثیر هشدار در انتقای مسؤولیت مدنی با تردیدی مواجه نیست، چه در مواقع خطر و امکان بروز حادثه، اگر هشدار به موقع، مناسب و مؤثر صورت گیرد، ولی زیان دیده به هشدار توجه نکند و در پی آن خسارتی به او وارد آید، نمی تواند عامل زیان (هشدار دهنده) را مسؤل بداند و از وی جبران خسارت را مطالبه نماید. یکی از عرصه های مهم اثرگذاری هشدار، مسؤولیت های پزشکی است، بسیاری از دست اندرکاران پزشکی ضمن اقدامات و ارائه خدمات، اخطارها و هشدارهایی را بیان می کند تا با رعایت آن توصیه ها، داروها و خدمات به درستی مورد استفاده قرار گیرد و معالجه مؤثر واقع گردد یا آن که دست کم از بروز حادثه یا توسعه بیماری جلوگیری نماید. این گونه هشدارها در صورتی که دارای شرایط لازم باشند، دفاع شایسته ای در برابر مسؤولیت های مدنی تلقی می شود.

بررسی مبانی فقهی به خوبی این مطلب را به تأیید می رساند، لیکن مسأله مهم تحلیل و ارائه شرایط هشدار و درجه آن است که با توجه به اهمیت موضوع (خطر یا حادثه) باید مورد توجه قرار گیرد. هم چنین لازم است قلمروی تأثیر هشدار در مسؤولیت های پزشکی تبیین گردد تا در پرتو آن امکان بهره گیری و توسعه آن در نظام حقوقی ما به روشنی فراهم شود. در این نوشتار تلاش شده ضمن مطالعه مبانی فقهی و حقوقی هشدار، این مسائل نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند.

واژگان کلیدی

هشدار، تحذیر، اقدام، مسؤولیت مدنی، مسؤولیت های پزشکی

مقدمه

هر کس حق دارد در جامعه ایمن و سالم زندگی کند، دیگران هم وظیفه دارند که امنیت و سلامت او را رعایت نمایند. تعرض به این حق، مسؤولیت متجاوز را به دنبال دارد. در برابر هر شخصی نیز حق دارد آزادانه به کار و فعالیت دلخواه خویش پردازد و حقوق خود را اجرا و اموال و منافعش را گسترش دهد. از این رو این دو حق به طور فراوان با برخورد و تزاخم مواجه‌اند؛ بسیاری از فعالیت‌های مشروع ممکن است ناخواسته اشخاص بی‌گناهی را در معرض خطر و آسیب قرار دهد. یکی از راه‌های مرسوم و تدابیر معمول در جمع میان این دو، آگاهی دادن و گوشزد کردن به اشخاص در معرض برخورد و خطر است تا سلامتی و ایمنی جان و مال آنان محفوظ ماند. این موضوع از دیرباز با عنوان هشدار یا اعلام خطر در شکل‌های گوناگون و عرصه‌های مختلف (از جمله اقتصادی، صنعتی، ورزشی و پزشکی) مورد استفاده قرار گرفته است. بدین سان اعلام خطر و هشدارها^۱ در رفع مسؤولیت مدنی مؤثر می‌باشند.

گاه نیز هشدار در صورت و قالبی دیگر مطرح می‌گردد و آن زمانی است که شخصی کالا یا خدمتی را به دیگری ارائه می‌نماید و در ضمن برای آن توصیه‌ها و گاه هشدارهایی را بیان می‌کند تا با رعایت آن کالا یا خدمات به درستی مورد استفاده قرار گیرد، مانند این که در داروهای پزشکی شیوه مصرف خاصی توصیه گردیده و درباره مصرف نابجای آن هشدار داده شده است، یا زمانی که پزشک به معالجه بیماری می‌پردازد، در خصوص رفتارها، عادات و تغذیه و... هشدارهای مهمی را گوشزد می‌کند. حال آیا در این گونه موارد هم هشدار می‌تواند مسؤولیت مدنی را برطرف سازد. این موضوع مهم و پر ابتلا در حقوق ما چندان مورد مطالعه قرار نگرفته و ابعاد و آثار آن به خوبی تحلیل نشده است.

از این رو، لازم است درنگ و بررسی شود که اساساً ماهیت هشدار چیست، مبانی فقهی آن کدام است و طی چه شرایطی در معافیت از مسؤولیت تأثیر دارد. بدین منظور نوشتار حاضر در سه گفتار تنظیم گردیده است، در نخستین گفتار درباره ماهیت و شرایط هشدار بحث شده است، گفتار دوم به بررسی حقوقی تأثیر هشدار در مسؤولیت مدنی اختصاص یافته و در گفتار سوم مبانی و آثار هشدار در فقه اسلامی مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است.

گفتار اول: ماهیت هشدار و شرایط آن

هشدار در لغت به معنای اخطار، هشیار نمودن، خبر کردن و متوجه ساختن است.^۱ (انصاف پور، ۱۳۸۴ ص ۱۲۷۵؛ انوری، ۱۳۸۱، ج ۸ ص ۸۳۵) یعنی فردی با خبر دادن و اخطار به دیگران، آنان را متوجه وضعیت حادثه‌ای کند تا خود را از معرض آن رها ساخته و دچار زیان و خسارت نشوند. در چنین مواردی اگر اخطار شده، بی‌توجهی کند و خود را در معرض خطر نگه دارد، مسؤولیتی بر عهده اخطار دهنده نیست.

البته برای اثر بخشی هشدار شرایطی لازم است:

۱- هشدار مؤثر باشد، یعنی هشدار با نوع و شرایط خطر، وسیله خطرناک و محیط خطر متناسب باشد و با به کارگیری ابزار و وسائل مناسب به کسانی که در معرض خطر و حادثه‌اند، اعلام شود، به گونه‌ای که بتوان گفت اعلام خطر به صورت متعارف انجام شده است. بنابراین زمان، مکان و شرایط موضوع خطر در نوع هشدار و اعلام خطر تأثیر دارند، چه این که هشدار شب با هشدار روز و هشدار در عملیات تخریب با هشدار در عملیات پزشکی متفاوت است. به عنوان نمونه در موردی ممکن است صرف نصب تابلوی احتیاط کافی باشد، (مانند جایی

که مستخدمی راهرویی را شسته و احتمال لیز خوردن وجود دارد) به شرطی که احتمال لغزندگی در آن گوشزد شده و نیز در معرض دید عابرین نصب شده باشد. اما در مواردی لازم است به صورت دقیق و در قالب گفتار یا نوشتار هشدارهای لازم بیان شود (مانند شیوه مصرف کالا یا دارویی خاص).

۲- زیان دیده در مورد هشدار آگاهی داشته باشد. هدف اصلی از هشدار این است که مخاطبین وضعیت خطرناک را دریابند، از این رو خسارت دیده باید از هشدار آگاه شود، خواه آن را بشنود یا ببیند و یا بخواند. از این رو اگر مانعی برای رسیدن هشدار به وی وجود داشته باشد، نمی‌توان هشدار را نتیجه بخش و رافع ضمان قلمداد کرد. لیکن گاه در مواردی هشدار به صورت معمول و متعارف انجام می‌گردد، ولی این زیان دیده است که به لحاظ وضعیت خاص خود از آگاهی عادی و قابل دسترس عاجز می‌ماند، مثل این که هشدار و اخطار، مکتوب قابل رؤیت اعلام شود، به گونه‌ای عموم مخاطبین می‌توانند از آن آگاهی یابند، ولی فردی به دلیل بی‌سوادی یا داشتن عینک مخصوص یا صرفاً بی توجهی از این هشدار بی‌خبر یا غافل است.

گرچه نگرش سخت‌گیرانه این گونه هشدارها را ناکافی می‌داند، لیکن با در نظر گرفتن اصول حقوقی شاید بتوان از کفایت هشدار نوعی طرفداری کرد. بررسی بیشتر این مسأله در گرو تحلیل مبانی و مباحث فقهی هشدار است که در فصل سوم خواهد آمد.

با این همه باید قبول کرد که هرگاه هشدار به شیوه نا متعارف و غیر قابل فهم برای اکثر مخاطبین انجام گردد، مانند این که متن آن تخصصی یا به زبان خارجی باشد، آن گونه که در مورد پاره‌ای از بروشورهای داورهای پزشکی متداول است، بی‌گمان نمی‌توان آن را هشدار نسبت آنان تلقی نمود، مگر این که

چنین هشدارهایی از سوی کادر درمانی یا داروخانه به شکل قابل فهم توضیح داده شود یا مکتوب گردد. بنابراین در مورد کیفیت مصرف برخی داروها و یا تداخل‌های زیان بار آن با داروهای دیگر نمی‌توان به صرف راهنمایی آن در بروشورهای فنی در بسته بندی دارو، که گاه حتی به زبان خارجی است، بسنده کرد، بلکه باید با در نظر گرفتن وضعیت بیمار با زبان ساده و قابل فهم برای او توضیح داد.

۳- امکان چاره جویی و رهایی برای زیان دیده فراهم باشد. چه علاوه بر این که هشدار باید در زمان مقتضی و به شیوه مناسب به اطلاع افراد در معرض خطر برسد، باید امکان نجات و رهایی آنان فراهم باشد. چون در این صورت است که عرف، شخص زیان دیده را مشمول قصور و خطرپذیری خود می‌داند و به موجب هشدار مؤثر، هشدار دهنده را مبرای از مسؤلیت می‌خواند. (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۲۱۴)

لیکن در این مجال، جای این پرسش وجود دارد که اگر چاره جویی و رهایی از خطر مستلزم هزینه‌هایی برای افراد در معرض خطر (مخاطب هشدار) باشد برعهده چه کسی است؟ به نظر می‌رسد در پاسخ اجمالی باید چنین هزینه‌هایی را برعهده هشدار دهنده و عامل زیان قرار داد، زیرا اوست که چنین شرایطی را به بار آورده و موقعیت خطر زایی را ایجاد کرده است. اما در بررسی بیشتر ممکن است با موارد دیگری روبرو شویم که به طور متعارف هزینه‌ها برعهده مخاطب هشدار باشد. مانند بسیاری از موارد پزشکی که هدف اصلی درمان و علاج بیمار (مخاطب هشدار) است. بنابراین می‌توان ضابطه تعیین عهده دار هزینه‌ها را در هدف از اقدامات خطر زا توصیف کرد و این که پای منفعت و مصلحت چه کسی در میان است.

۴- فعل هشداردهنده روا و قانونی باشد. هشدار زمانی قابل اعمال و استناد است که کار هشداردهنده قانونی و مشروع باشد. هشدار برای کارهای غیر قانونی و ممنوع رافع مسؤولیت هشداردهنده نیست. به عنوان مثال هشدار قاچاقچیان در نبرد مسلحانه با مأموران انتظامی، رافع مسؤولیت ناشی از تیراندازی آنان به سوی مأموران نیست، هم‌چنان که هشدارهای اعلام شده در داروهای غیر قانونی یا اقدامات پزشکی نامشروع به هیچ وجه قابل استناد نیست.

۵- هشدار دهنده فاقد قصد اضرار و دارای حسن نیت باشد.^۳ به عبارت دیگر، هشدار دهنده باید در نیت و عمل دارای صداقت بوده و از فریبکاری و قصد زیان رسانی عاری باشد. البته در مقایسه با سایر شرایط، این شرط کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. بی‌گمان اگر کسی که به طور مؤثر هشدار مناسب را به شخصی ابلاغ نموده، و در حالی که آن شخص عنایت و رعایت نکرده است، برای هشدار دهنده امکان جلوگیری از ایراد آسیب به وی فراهم باشد، لیکن این کار را نکند، به لحاظ فقدان درستکاری و حسن نیت در هشدار دهنده نمی‌توان به موجب هشدار مسؤولیت او را نادیده گرفت.

با این ترتیب هشدار دلیلی است بر آگاهی زیان دیده و پذیرش خطر و تن دادن وی به زیان، لیکن این به مفهوم یکسانی هشدار و رضایت نیست. زیرا در رضایت و پذیرش خطر، اراده و رضایت زیان دیده برای قبول خطر و تبعات آن کاملاً محرز است، در حالی که هشدار با برخورداری از شرایط یاد شده، تنها نشانه و اماره‌ای است بر این امر. شرط عدم مسؤولیت نیز دلیل و نشانه‌ای است قابل استناد برای احراز رضایت خواهان (زیان‌دیده) و پذیرش خسارت و رهایی خواننده از مسؤولیت.

باید افزود که برخی هشدارها با عنوان «اخطار معقول» قابل ملاحظه و

بررسی‌اند. اخطار معقول که کاربردهای متعددی از جمله در حوزه مسائل پزشکی دارد، همان هشداریی است که در نوشتارها و اسناد امضا نشده مندرج‌اند. برخی از حقوقدانان اخطار معقول را به شرط عدم مسؤولیت باز گردانده و گفته‌اند که این اخطار بسان شرط عدم مسؤولیت در اسناد امضا نشده است و در صورتی اعتبار دارد که گام‌های معقولی در جهت اطلاع رساندن به وجود آن (شرط) برداشته شده باشد. اینان افزوده‌اند: «مهم نیست که طلبکار شرط را قبول کرده باشد یا نه و یا این که از وجود آن آگاهی پیدا کرده باشد یا نه، آن چه مهم است، این است که مدیون وظیفه خود را برای اطلاع رساندن وجود شرط (اخطار) انجام داده باشد. البته پاسخ به این پرسش که آیا چنین اقدام متعارفی صورت گرفته است یا نه، بستگی به وقایع هر دعوا دارد. (تریپل، ۱۹۹۵م، ص ۲۰۰-۱۹۸) با وجود این شاید بتوان در این زمینه قواعدی را ارائه کرد، از جمله این که اگر سندی که حاوی شرط یا اخطار مزبور است، جزء ضمائم و اسناد قرارداد باشد می‌توان آن را متعارف و کافی دانست، مثل این که در آن با یک عبارت ساده آمده است که «به پشت صفحه نگاه کنید». بی‌گمان چنین موردی اخطار معقول تلقی می‌گردد. هم‌چنان که اگر اخطار و هشدار نزد حرفه یا صنف خاصی مرسوم و معروف باشد، به گونه‌ای که آگاهی افراد نسبت به آن مفروض تلقی گردد، کافی خواهد بود.^۵

به هر روی، ماهیت و اهمیت موضوع، در درجه هشدار یا اخطار معقول تأثیر بسزا دارد، چه در حالت عادی و حوادث معمول، شاید هشدار عمومی و اخطاری معقول پذیرفتنی باشد، لیکن مسأله غیرمعمول و از جمله مواردی باشد که هیچ کس انتظار درج آن را ندارد، باید مفاد آن به اطلاع دقیق خواهان برسد و هشدار مؤثر صورت گیرد.

گفتار دوم: بررسی تأثیر هشدار در مسؤولیت مدنی از دیدگاه حقوقی

طبق آن چه گفته شد، هرگاه عامل زیان پیش از وقوع حادثه، به طور مؤثر، احتمال خطر را به زیان دیده گوشزد نماید و زیان دیده به رغم وصول هشدار و امکان اجتناب از خطر، بی‌توجهی کرده یا پذیرای آن شود، نمی‌توان جبران خسارت وارده را از عامل زیان مطالبه کرد و در واقع به سبب هشدار، از مسؤولیت مبرا می‌شود. زیرا زیان دیده در این مواقع قربانی بی‌دقتی و بی‌احتیاطی خویش گردیده است.

وظیفه آگاهی‌سازی و دادن هشدارهای لازم به بیماران، بخشی از وظایف مهم پزشکان و دست‌اندرکاران معالجه و درمان است. آنها موظف‌اند با ارائه اطلاعات لازم و جامع نسبت به نوع بیماری یا نوع معالجه‌ای که قصد انجام آن را دارند، بیماران را از خطرات احتمالی آگاه کنند و با گوشزدهای مناسب و به موقع آن‌ها را از پیشرفت بیماری و آسیب دیدگی رها سازند (جامیون جونور، ۱۳۸۶، ص ۵۱ و ۱۳۵)

هشدارها نسبت به خطرات اعلام شده در ورزش هم برای شرکت‌کنندگان و تماشاگران نیز کارایی دارد. پس اگر تماشاگران با وجود هشدارهای بیان شده در میدان‌های ورزشی و صحنه‌های رقابت ورزشکاران حضور یابند، فرض می‌شود که نسبت به خطرات آگاهی دارند. (اسکات، ۲۰۰۵، ص ۱۳) این قاعده در داروسازی و مصرف داروهای پزشکی نیز جریان دارد. بی‌گمان با اعلان و درج هشدار به صورت مناسب در فراورده‌های پزشکی و دارویی و بیان خطرات احتمالی و عواقب آن، خسارات ناشی از بی‌توجهی به هشدار و مصرف نادرست متوجه پزشک یا داروساز نخواهد بود.

هم چنان که اگر فردی برای تماشای یک مسابقه مانند مسابقات اتومبیل

رانی، اقدام به تهیه بلیط کند و در خلال مسابقه بدون توجه به هشدارهای اعلام شده در برگه بلیط و تابلوهای اطراف پیست به جاده مسابقه (پیست) نزدیک شود و به رغم احتیاطها و تدابیر اندیشیده شده، اتومبیلی از پیست منحرف گردد و پس از برخورد با نرده موجب مرگ یا آسیب تماشاگر شود، راننده یا مسؤل برگزاری مسابقات ضامن نیست، زیرا تماشاگر به هشدارها توجه ننموده و خود خطر را پذیرفته است. (پادی فید، ۱۹۸۹م، ص ۱۹)

بنابراین، هشدار نیز می‌تواند در انتغای مسؤولیت کیفری و مدنی نقش دارد و می‌تواند به عنوان یکی از مبانی عدم مسؤولیت پزشکی مورد توجه قرار گیرد. در نظام حقوقی کامن لا احکامی وجود دارد که نشان گر جایگاه هشدار در رفع مسؤولیت است، یکی از احکام قدیمی و معروف در مورد کارمندی از اداره پست است که از در آسانسوری که بیشتر مواقع بسته بود و در روی آن اخطاری با این مضمون به چشم می‌خورد: «فقط متصدی صلاحیت‌دار آسانسور حق ورود به این محوطه را دارد» با قصد رفتن به محوطه بام و هواخوری وارد شد، ولی به محض ورود به این منطقه ممنوع، حفره‌ای از زیر پایش باز شد و در آن سقوط کرد و کشته شد. دادگاه استیناف انگلستان دعوی بازماندگان او را برای مطالبه خسارت مردود و در رأی خود اعلام کرد که اداره خواننده تصور نمی‌کرده است متوقی بدون هیچ نوع وظیفه‌ای وارد اتاق آسانسور شود، زیرا او قصد داشته برای هواخوری از طریق نادرست به پشت بام برود و به هشدار صریح خواننده توجه نکرده است»^۶.

به هر روی، نویسندگان حقوقی اهمیت هشدار را در رفع مسؤولیت مدنی از جمله فعالیت‌های ورزشی و پزشکی، فراوان دانسته‌اند، به ویژه این که اغلب این گونه اقدامات با هشدارهای صریحی همراه است. از این رو دادگاه نیز نسبت به

این هشدارها نظر مساعدی دارند و در اعلام رأی بدان ترتیب اثر می‌دهند. (جامپون، ۱۳۸۶، ص ۲۴۱)

البته باید دانست که در حقوق انگلیس تأثیر هشدار یا شرط عدم مسؤولیت در انتفای مسؤولیت مدنی به میزان نقش «پذیرش ارادی خطر» نیست. بند ۳ از ماده ۲ قانون شروط ناعادلانه قرارداد انگلیس مقرر کرده است: «زمانی که یک شرط ضمن عقد یا یک هشدار، متضمن سقوط یا تحدید مسؤولیت ناشی از تقصیر است، نباید صرف قبولی این شرط یا هشدار یا آگاهی شخص از وجود آن، به منزله پذیرش ارادی خطر از ناحیه او تلقی شود».^۷

مثال آن دعوایی است که در مورد صدمات ناشی از شرکت در یک مسابقه دوی ده هزار متری مطرح گردید. در این مسابقه، خطرهای مورد نظر با ذکر جزئیات و وضعیت خاص آن ورزش با توجه به میزان حرارت و رطوبت محل برگزاری (شهر آتلانتا در ایالت جورجیا) در شکل یک هشدار به اطلاع کلیه شرکت کنندگان رسیده بود، بر همین اساس، دادگاه با توجه به این که خواهان (زیان دیده) هشدارها را در فرم ورود به مسابقه مطالعه کرده و علاوه بر آن از خطرهای آگاهی قبلی نیز داشته است، جبران خسارت وارده بر او را به استناد هشدار و قبول خطر مردود دانست.^۸

در حقوق ایران نیز اگرچه در متون قانونی، به صراحت «قاعده هشدار» بیان نشده، ولی مقررات بسیاری وجود دارد که در بردارنده مفاد این قاعده است،^۹ به عنوان نمونه در ماده (۳۳۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر شده است: «در مواردی که عبور عابر پیاده ممنوع است، اگر عبور نماید و راننده‌ای که با سرعت مجاز و مطمئنانه در حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته باشد و در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نموده و منجر به فوت یا

مصدوم شدن وی گردد، راننده، ضامن دیه و خسارت وارده نیست». بدین سان ملاحظه می‌شود که قانون گذار قاعده هشدار و اثر آن در رفع مسؤلیت مدنی و کیفری را پذیرفته است. از این رو امکان استناد به این مبنا در مسائل پزشکی نیز فراهم است. البته این امر مستلزم بررسی و تحلیل فقهی شرایط و گستره قاعده مزبور است که در فصل آتی خواهد آمد.

گفتار سوم: بررسی مبانی و تأثیر هشدار در ضمان از دیدگاه فقه اسلامی

گفته شد که میان مردم مرسوم است، هرگاه قصد انجام کاری را دارند که در آن احتمال ایجاد حادثه و ایراد آسیب به دیگران است با اعلان به موقع خطر و آگاهی دادن افراد نسبت به وضعیت حادثه زا، خود را از عواقب و پیامدهای آن مبرا می‌سازند. این سیره خردمندانه، مضمون قاعده‌ای فقهی با عنوان «تحدیر» است که به موجب آن هرگاه کسی قبل از انجام دادن کار، به طور مناسب هشدار دهد، ولی شنونده توجه نکند و در پی آن خسارتی به وجود آید، مسؤلیتی متوجه هشدار دهنده نیست.

قاعده تحدیر برگرفته از حدیثی است از امام صادق (ع) که فرموده‌اند: امیرالمؤمنین علی (ع) در مورد کودکی که موقع بازی، توپ ساخته شده از پارچه‌ای را به دندان دیگری زد و سپس شاهد آورد که قبل از پرتاب اخطار داده است، حضرت علی (ع) به عدم قصاص حکم نمود و فرمود: «قد أعذر من حذر» معذور است کسی که بر حذر داشته و هشدار داده است. (الحر العاملی، بی تا، ج ۱۹ ص ۱۵۰ و ج ۲۹ ص ۶۹)

مفاد «تحدیر» در عبارات فقیهان نامداری مورد عنایت قرار گرفته و بر پایه آن

فتوا داده‌اند، به عنوان نمونه:

مرحوم شیخ مفید فرموده است: «کسی که به سوی هدفی تیر می‌اندازد و به انسانی که از آنجا عبور می‌کند، هشدار دهد، ولی آن شخص اجتناب نکند، در نتیجه مورد اصابت قرار گیرد، حتی اگر بمیرد عقاب و ضمانی متوجه تیرانداز نخواهد بود» (العکبری شیخ مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۷۴۲)

مرحوم شیخ طوسی نیز به قضیه ذیل حدیث «قد أَعذر من حَذَرَ» اشاره کرده و بر اساس آن نظر داده که قصاص و دیه منتفی است. (الطوسی، بی تا، ص ۷۵۵) همین محتوا در کلام شریف رضی نیز آمده است. (الموسوی سید رضی، ۱۴۰۶ق، ص ۸۶)

هم‌چنین مرحوم ابن حمزه طوسی در این باره گفته است: «اگر شخصی در محل مسابقه از میان تیراندازان و هدف عبور کند و تیری به او اصابت نماید، چنانچه تیرانداز پیش تر به او هشدار داده باشد، ضامن نیست و اگر هشدار نداده باشد، اما محل هدف در ملک تیرانداز بوده و زیان دیده بدون اجازه وارد شده باشد، باز هم ضامن نیست» (الطوسی ابن حمزه ۱۴۰۸ق، ص ۴۲۵) مرحوم ابن ادریس (محمد بن ادریس، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۳۶۲) فاضل آبی (الیوسفی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۶۱۷) محقق حلی (الحلی، ۱۳۸۹ق، ج ۴، ص ۲۵۱-۲۵۰) علامه حلی (الحلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۶۵۲) فخرالمحققین (الحلی، پیشین، ج ۴، ص ۶۵۹) ابن فهد (الحلی ابن فهد، ۱۴۰۹ق، ص ۳۹) شهید اول (العاملی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۶۳) شهید ثانی (العاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰، ص ۱۲۰) محقق اردبیلی (الاردبیلی، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۴۳) و صاحب جواهر (محمدحسن النجفی، ج ۴۳، ص ۶۹-۷۰) نیز دیگر فقیهانی هستند که در تأیید این قاعده سخن گفته‌اند. (الخوئی، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۲۳۲)

همان طور که ملاحظه می‌شود، قاعده مزبور از جایگاه با اعتباری برخوردار است، چه این که مستندات قاعده تردید ناپذیر است. تا آنجا که عدّه‌ای از فقیهان ادعا کرده‌اند که هیچ مخالفی در این باره وجود ندارد. (الخوئی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۱)

مهمترین مستند این قاعده بنای عقلا و نیز روایتی است که پیش‌تر بدان اشاره شد. چنانکه گفته شد در عرف خردمندان متداول این است که هرگاه می‌خواهند عملی انجام دهند که در مظان خسارت احتمالی و ایراد ضرر و زیان بر دیگران است، قبل از انجام دادن آن، با عباراتی نظیر خبردار، پرهیز، بپا و در عربی حَذَر، اِحْذَر، بالک و اجتنب به شیوه مناسب هشدار می‌دهند و سایرین را از وجود خطری که ممکن است آنان را دچار زیان مادی یا جانی نماید، آگاه می‌سازند و چنانچه پس از آن خسارتی از ناحیه عمل آنان ایجاد شود، خود را مسؤول نمی‌دانند. این سنت عقلایی در عرف متشرعه به روشنی محسوس است و نه تنها از ناحیه شارع منعی درباره آن نرسیده، بلکه مورد تأیید نیز قرار گرفته است (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰) با این همه با بررسی انجام شده در منابع و کتاب‌های قواعد فقهی اهل سنت نشانی از قاعده یاد شده یافت نشد. البته در برخی از کتب مرجع حدیثی از پیامبر اکرم (ص) یافت که خود می‌تواند مبنای مهمی برای قاعده مزبور باشد.^{۱۰}

حدیث وارد شده (قد اعذر من حذر) که خود تأیید بر سیره عقلایی است، از نظر سند صحیح است و در کتب روایی معتبر هم ذکر شده است. (الکلینی، الکافی، ج ۷، ص ۲۹۲؛ القمی شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۰۲؛ الطوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ص ۲۰۸) البته در ابتدا ممکن است چنین به ذهن آید که روایت مزبور به قضیه‌ای خاص مربوط است که موضوع آن کودکان بوده‌اند و از این رو امام (ع) در آن نفی قصاص کرده است. لیکن با توجه به برداشت فقیهان به ویژه قدمای آن و سایر مستندات قاعده، از آن الغای خصوصیت کرده و قاعده نافی مسؤولیت کیفری و مدنی استنباط می‌شود. حتی کلام امام علی (ع) نیز قاعده کلی را بیان می‌کند و حاکی از پذیرش عذر هشداردهنده به طور مطلق است، به گونه‌ای که از آن فهمیده می‌شود که تحذیرکننده هیچ مسؤولیتی ندارد.

نباید پنداشت که «تذذیر» تنها در رفع مسؤولیت کیفری تأثیر دارد، بلکه همان گونه که برخی از فقها اشاره کرده‌اند، منظور عدم مسؤولیت به طور کلی (اعم از کیفری و مدنی) می‌باشد. (العکبری شیخ مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۷۴۲؛ النجفی، بی تا، ج ۴۳، ص ۷۰-۶۹)

ناگفته نماند، برای انتفای مسؤولیت بر پایه تذذیر، همان گونه که برخی از فقیهان اشاره کرده‌اند، شرایطی لازم است. (العاملی، مسالک الافهام، ۱۴۱۶ق، ج ۱۵، ص ۳۴۲؛ محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۲۱۴) که بدون هر یک از آن‌ها امکان استناد به این قاعده و رفع مسؤولیت وجود ندارد. در ادامه شرایط اجرای این قاعده را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

باید دانست که قاعده تذذیر بیش‌تر در کتب قواعد فقهی بیان شده است، اگر چه بسیاری از مجموعه‌های تدوین شده در قواعد فقهی اساساً به این قاعده نپرداخته‌اند. به هر روی فقیهانی که در این باره باب سخن گشوده‌اند، به شرایط این قاعده نیز اشاره کرده‌اند:

۱- اعلام هشدار

برای هر اقدام حادثه‌زا و کاری که احتمال خطر برای دیگران دارد، باید هشدار به وسیله مناسب (اعم از گفتاری، نوشتاری، رفتاری و...) و به صورت مؤثر به کسانی که در معرض حادثه و خطر هستند، اعلام شود. بی‌گمان اعلام هشدار باید به گونه‌ای باشد که هشدار دهنده بتواند ثابت کند در حد متعارف هشدار داده است. (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۲۱۴-۲۱۷) در هر حال آنچه مسلم است این است که باید ضابطه را از عرف گرفت و طبق شرایط و اوضاع و احوال هشدار مناسب و مؤثر را انجام داد.

۲- وصول هشدار به زیان‌دیده

برای رفع مسؤولیت بر مبنای تحذیر، باید کسی که از حادثه زیان و خسارت دیده، هشدار را شنیده و آگاهی لازم را در مورد وجود خطر کسب کرده باشد. از این رو هرگاه شخص آسیب دیده از اعلام هشدار و خطر بی‌اطلاع باشد، مثل این که در زمان هشدار دادن حاضر نبوده یا به علت کوری و یا سایر عوارض امکان آگاه شدن را نداشته باشد، مسؤولیت متوجه عامل زیان (هشدار دهنده) خواهد بود. با این ترتیب بر اساس ضوابط فقهی معیار در اعلام هشدار و نیز وصول آن به شخص زیان‌دیده رعایت حد متعارف است، یعنی این عرف است که حسب مورد و با در نظر گرفتن اوضاع و شرایط اعلام هشدار مناسب را دانسته و در مورد آن داوری می‌کند و نیز عرف و عادت است که وصول هشدار را تشخیص می‌دهد و در مورد تحقق آن نظر می‌دهد.

۳- امکان چاره‌جویی یا فرار برای زیان‌دیده

«تحذیر» در صورتی مؤثر است که امکان چاره‌جویی یا دور شدن از صحنه خطر برای شنونده فراهم باشد. بنابراین گیرنده هشدار باید زمان کافی، توانایی لازم برای دور شدن یا رفع خطر از خود داشته باشد و اوضاع و شرایط به گونه‌ای باشد که امکان چاره‌جویی و اقدام مناسب را از او سلب ننماید. بعضی این شرط را نیز افزوده‌اند که برای رفع مسؤولیت بر اساس تحذیر، لازم است که عامل زیان، فاقد قصد (عمد) باشد. به عنوان مثال تیرانداز باید جاهل باشد که کسی در میدان تیر قرار دارد و تعمدی در ایراد آسیب و زیان به کسی نداشته باشد. (الخوئی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳۲-۲۳۱؛ سید محمد بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۶۳) در واقع این شرط را می‌توان در راستای وجود حسن نیت و فقدان قصد اضرار در هشدار دهنده قلمداد کرد که در گفتار نخست مورد اشاره قرار گرفت.

بنابراین، هشدار باید به موقع و به طور مؤثر اعلام شود و آنچه اهمیت و موضوعیت دارد، آگاهی دادن به افراد در معرض خطر است.

با این ترتیب ملاحظه گردید که مسأله هشدار و شرایط اجرای آن تقریباً هماهنگ با آن چه در مباحث حقوقی و مقررات قانونی درج گردیده، در فقه پذیرفته شده و از مبانی استواری نیز برخوردار است.

با توجه به آن چه تا کنون در مورد قاعده تحذیر و شرایط آن گفته شد، این پرسش مهم مطرح می‌گردد که آیا «تحذیر نوعی» و هشدار عمومی کافی است یا این که هشدار باید به صورت «شخصی» باشد؟

در تحذیر نوعی، هشداردهنده با وسیله‌ای اعلام خطر می‌کند که نوعاً انسان متعارف از آن آگاه شده و می‌تواند در مقابل آن تدبیر و اقدام مناسب را اتخاذ نماید. اما تحذیر شخصی ناظر به شخص معین خارجی است به طوری که تحذیر دهنده باید کاری کند که تحذیر شونده آگاه شود و بر اساس آن بتواند اقدام مناسبی برای رفع خطر انجام دهد، بنابراین اگر تحذیر به صورت شفاهی انجام شود، لیکن زیان دیده ناشنوا باشد، چنین هشدار بر اساس تحذیر شخصی رافع مسئولیت نخواهد بود، اگرچه برای انسان متعارف (شنوا) کافی است. (محمود حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۷۸) همین گونه است در جایی که اعلام خطر در جایی نصب شده است، ولی زیان دیده به علت نابینایی یا موانع دیگر، متوجه آن نگشته و دچار خسارت شده باشد که در این صورت بر بنای تحذیر نوعی، مسئولیت منتفی است، اما بر پایه تحذیر شخصی، چون هشدار به زیان دیده ابلاغ نشده، مسئولیت هم‌چنان باقی است.

در پاسخ باید گفت آن چه برای هشدار دهنده لازم است این است که در اعلام خطر و دادن آگاهی به افراد در معرض آسیب اقدام متعارف را انجام دهد،

ولی وظیفه‌ای برای محافظت از افراد دارای وضعیت خاص ندارد. بلکه این گونه افراد، خود باید تدابیر و اقدامات مناسب را برای پیشگیری از خطر انجام دهند و دقت‌ها و مراقبت‌های لازم را به عمل آورند (محمود حکمت نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۷۹) عنایت کافی به مستندات «تحدیر» این مطلب را به تأیید می‌رساند، چه این که در حدیث «قدر أَعذر من حَذَر»، محور معذوریت و عدم مسؤولیت، انجام تحدیر است، نه بیشتر از آن. از سوی دیگر بر پایه بنای عقلا نیز دادن هشدار به طور مؤثر و متعارف کفایت می‌کند و این گونه نیست که آگاهی یافتن همگان در آن شرط باشد.

لیکن احتمال می‌رود ذیل این حدیث حکایت از لزوم آگاهی زیان دیده داشته باشد، زیرا هنگامی که آسیب دیده مرافعه خود را نزد حضرت امیر (ع) مطرح نمود، ضارب با اقامه بینه بر این که به او هشدار داده است، از مسؤولیت رهایی یافت، از سوی دیگر شایسته است در استناد به سیره عقلا به لحاظ لَبی بودن آن به قدر متیقن بسنده شود و بی‌تردید قدر متیقن در این مجال، تحدیر شخصی است.

البته باید در نظر داشت اگر ملاک را بر تحدیر شخصی قرار دهیم و معیار عدم مسؤولیت را آگاهی شخص زیان دیده از اخطار بدانیم، در عمل «قاعده تحدیر» را به «قاعده اقدام» ارجاع داده‌ایم، چرا که مبنای تأثیر تحدیر در عدم مسؤولیت مدنی، همان اقدام زیان دیده بر ضرر خود است که با وجود آگاهی یافتن، اقدام به ضرر و زیان خویش کرده است و بدین ترتیب فعل زیان دیده دارای اهمیت می‌شود. حال آن که در تحدیر ملاک و معیار، فعل واردکننده زیان است و انجام عمل متعارف مبنی بر هشدار و آگاهی دادن به افراد در معرض خطر برای انتفای مسؤولیت کافی است. نتیجه این که «تحدیر» و «اقدام» دو مقوله جدا از هم هستند و نمی‌توان تحدیر را به اقدام برگرداند، اگرچه در بسیاری موارد بر

هم منطبق می‌شوند.

همان‌گونه که در فصل قبل نیز ملاحظه شد در پاره‌ای از مقررات نیز «تحدیر نوعی» ملاک قانونگذار قرار گرفته و بر اساس آن عدم مسؤولیت را توجیه نموده است.^{۱۱}

با وجود این، همان‌گونه که گفته شد لزوم اکتفا بر قدر متیقن از بنای عقلا (به دلیل لٹی بودن) و پیروی از نص حدیث وارد شده در این باب، ما را به جانب‌داری از تحدیر شخصی و لزوم ابلاغ اخطار و هشدار قبلی به شخص آسیب دیده رهنمون می‌سازد. به ویژه این‌که فقیهان ما نیز چنین برداشتی داشته و به صراحت بر این نکته تأکید ورزیده‌اند. به عنوان نمونه مرحوم شهید ثانی (العالمی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۵، ص ۲۴۲؛ الروضة البهیة، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰، ص ۱۲) و مرحوم مقدس اردبیلی معتقدند که تحدیر باید بر شخص مورد نظر صورت گیرد، مثلاً به او گفته شود: بر حذر باش. (احمد الاردبیلی، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۴۳) صاحب جواهر نیز بر این باور است که هشدار باید اعلام شود و عبور کننده آن را بشنود و آگاه گردد. (النجفی، بی تا، ج ۴۳، ص ۶۸-۶۹) مرحوم آیت الله خوئی هم در این خصوص چنین گفته است: «در صورتی که تیرانداز به کسی که قصد عبور از میدان تیر را دارد، خبر داده و او را بر حذر داشته است و به رغم آن، عبور کرده و تیرانداز در حالی که عبور وی ناآگاه بوده، تیرش به او اصابت کرده است، چیزی بر او نیست». (الخوئی، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۲۳۲-۲۳۱)

هم‌چنین مرحوم آیت الله سبزواری نوشته است: «اگر تیرانداز به صورت گفتاری یا نوشتاری و یا عملی هشدار داده و عبور کننده عالم بدان باشد و متمکن از حفظ جان، ولی حذر نکند و خسارت بیند، کسی ضامن خونش نیست (خونش هدر است)». (السبزواری، ۱۴۱۶ق، ج ۲۹، ص ۱۱۷)

بدین ترتیب باید پذیرفت که «تحدیر» به نوعی همان «اقدام» است و به این قاعده باز می‌گردد. از همین رو برخی از محققان در بیان قاعده تحدیر اظهار داشته‌اند که زمانی هشدار دهنده از مسؤولیت مبرا شناخته می‌شود که هشدار گیرنده با وصف اطلاع خود را در معرض خطر قرار دهد؛ با این توضیح که بدون توجه به هشدار، دست به اقدامی زند که نتیجه زیانباری به دنبال داشته باشد و ورود خسارت نتیجه اقدام هشدار گیرنده می‌باشد (قاعده اقدام). (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۶۳ و ۱۶۶)

نتیجه گیری

از آن چه در این نوشتار گفته شد، معلوم گردید که هشدار نقش مهمی در رفع مسؤولیت‌های پزشکی دارد، به ویژه این که هشدارها بخش عظیمی از روابط پزشکان و بیماران را در بر می‌گیرد. بسیاری از دست اندرکاران پزشکی ضمن معالجات و ارائه خدمات، هشدارهایی را بیان می‌کنند تا با رعایت آن خدمات به درستی مورد استفاده قرار گیرد و درمان مؤثر واقع گردد، مانند این که در داروهای پزشکی شیوه مصرف خاصی توصیه می‌گردد و درباره مصرف نابجای آن هشدار داده می‌شود، یا زمانی که پزشک به معالجه بیماری می‌پردازد، در خصوص رفتارها، عادت‌ها و شیوه تغذیه و یا جلوگیری از پیشرفت یا سرایت بیماری هشدارهای مهمی را گوشزد می‌کنند. بی‌گمان اگر این گونه هشدارها به موقع، مؤثر و مناسب باشند، علاوه بر رفع مسؤولیت کیفری، موجب انتفای مسؤولیت مدنی نیز می‌گردند. لیکن این مطلب به روشنی در قوانین و روابط حقوقی منعکس نشده است، اما با توجه به مستندات تردید ناپذیر قاعده تحدیر که به برداشت فقیهان نیز تأیید شده، می‌توان این نهاد را در قالب منسجم در مقررات

مربوط درج کرد.

با این همه در مورد بکارگیری و قلمروی تأثیر هشدار باید ملاحظات بیشتری منظور گردد. به عنوان نمونه باید پذیرفت که ماهیت و اهمیت اقدامات پزشکی، در درجه هشدار تأثیر بسزا دارد، چه در حالت عادی، شاید هشدار عمومی و اختطاری معقول پذیرفتنی باشد، لیکن درباره رویدادهایی که گاه جان بیمار را تهدید می کند، باید مفاد هشدار به طور دقیق و مؤثر به وی تفهیم گردد. اهمیت این مسأله زمانی بیشتر می گردد که بیمار به لحاظ وضعیت خاص خود از کسب آگاهی عادی و قابل دسترس عاجز باشد.

باید افزود هشدار که به شیوه نامتعارف و غیر قابل فهم برای اکثر مخاطبین انجام گردد، مانند این که متن آن با عباراتی تخصصی یا به زبان خارجی باشد، آن گونه که در مورد پاره‌ای از بروشورهای داورهای پزشکی متداول است، بی گمان نمی تواند دفاع شایسته و کافی در برابر مسؤولیت قلمداد شود. مسأله مهم دیگری که نیازمند درنگ می باشد، جایی است که مخاطب هشدار افرادی دیگری است که با بیمار در ارتباطند، مثل جایی که همسر بیمار در خطر سرایت بیماری مسری و گاه مهلکی قرار دارد. در این گونه موارد، درگیری وظیفه رازداری و وظیفه هشدار رسانی و بررسی مسؤولیت‌های پزشکی مجال وسیعی می طلبد که باید مورد عنایت پژوهشگران فقه و حقوق پزشکی قرار گیرد.

بی‌نوشت‌ها

1. Warning/Caution

۲. البته این واژه در اصل مصدر مرکبی از «هش داشتن» است که به صورت اسم مصدر به کار می‌رود، مانند خبردار، و مفهوم آن هشدار دادن، با خبر کردن و متوجه ساختن است. ر.ک علی اکبر دهخدا، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۳۴۸۱.

۳. حسن نیت (Good faith) در حقوق به گونه‌های مختلف تعریف شده است: صداقت در نیت و عمل؛ فقدان اراده تقلب و کلاهبرداری و ایجاد ضرر برای طرف دیگر معامله؛ پایبندی به هدف معامله و داشتن رفتار درست و صادقانه در برابر تعهد؛ داشتن اعتقاد صادقانه به موضوعی نادرست؛ نداشتن رفتار مغایر با معیارها و ضوابط متداول. ر.ک: عبد‌الرزاق احمد السنهوری، الوسیط فی شرح قانون المدنی، ج ۱، ص ۶۲۶.

4. Reasonable Notice.

۵. به عنوان نمونه در حقوق کامن لا هشدار یا شرط عدم مسئولیت به مبنای روابط معاملاتی مقدم مورد پذیرش قرار گرفته است. مجلس لردان ابراز داشته‌اند که شرط عدم مسئولیت مندرج در قراردادهای قبلی، در قرارداد بعدی نیز معتبر است، هر چند اقدام متعارفی جهت آگاهی خواهان (زیان دیده) از وجود شرط صورت نگرفته باشد و هر چند وی از آن ناآگاه باشد.

G.H.Tritel, Law of Contract, London, Sweet and Maxwell, 9th Edition, 1995, p.200-201.

6. The Times newspaper, 24 October 1972, p.6.

7. Section 2(3) [of the UCTA]: "Where a contract term or notice purports to exclude or restrict liability for negligence, a person's agreement to or awareness of it is no of itself to be taken as indicating his voluntary acceptance of any risk"; John Wilman Brown, GCSE Law, Landon, Maxwell and Sweet, 1989, p.149.

۸. به نقل از حسین آقایی نیا، مبانی حقوق ورزش‌ها، ص ۲۴۲. Willams V Cox Enterprise, inc. (1981)

۹. از جمله در ماده (۴) قانون ایمنی راه‌ها و راه آهن مصوب ۱۳۴۹ آمده است: «ورود و عبور عابرین پیاده و انواع وسایل نقلیه غیر مجاز و عبور دادن دام در بزرگراه و هم‌چنین توقف وسایل مذکور در خطوط عبور، ممنوع است. هرگاه به جهات مذکور، حادثه‌ای واقع شود که منجر به ضرب یا جرح یا قتل یا خسارات مالی شود، راننده نسبت به موارد فوق مسئولیتی نخواهد داشت». در ماده ۹ این قانون نیز آمده است: «عبور از روی خطوط راه آهن، ورود در محوطه ایستگاه‌ها و کارخانه‌ها و تأسیسات فنی راه آهن به استثنای سکوهای مسافری و امکان و گذرگاه‌ها و معابر مجاز واقع در ایستگاه‌ها و در طول خطوط ممنوع است جز برای آن عده از مأمورین راه آهن که بر حسب وظیفه مجاز به ورود و عبور می‌باشند و در صورت تخلف و بروز حادثه راه آهن دولتی ایران مسئول نخواهد بود».

تبصره ماده (۸) از قانون الحاق ده تبصره به قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مقرر نیز داشته است:

«در شهر تهران، خیابان‌هایی که به وسایل عبور عابر مجهز شده باشد و به وسیله شهرداری برای اطلاع عامه آگهی شود، عابر پیاده مکلف است فقط از محل‌های مخصوص عابر پیاده عبور کند، در غیر این صورت اگر تصادفی بین وسیله نقلیه و عابر پیاده واقع شود، مسئولیتی جزایی متوجه راننده نخواهد بود و راننده آزاد خواهد شد.»

هم چنین قانون نحوه به کارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ قابل عنایت است. در این قانون صریحاً به وجوب هشدار قبل از تیراندازی از سوی مأمورین تأکید شده است. در تبصره «۱» قانون مذکور آمده است:

«مأمورین مذکور مکلفند که در ایستگاه‌های ایست و بازرسی وسایل هشدار دهنده به اندازه لازم (اعم از موانع، تابلو، چراغ گردان) تعبیه نمایند.»

در تبصره «۲» نیز آمد است: «مأمورین مذکور در صورتی می‌توانند به وسیله نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر انجام امور تبصره «۱» با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد». ناگفته نماند در این گونه موارد می‌توان مبنای عدم مسئولیت را «قدام» قرار داد، چه همان طور که اشاره شد در بسیاری مصادیق قاعده تحذیر بر قاعده اقدام منطبق می‌گردد و اساساً بر پایه معیار تحذیر شخصی، قاعده تحذیر به اقدام باز می‌گردد.

۱۰. رسول گرامی اسلام (ص) در فرازی از این حدیث فرموده‌اند: «وقد أعذر من أنذر» ر.ک: شهاب الدین احمد النویری، نهاية الأرب فی فنون الأدب، بیروت، دارالکتب العلمیة چاپ اول، ۱۴۲۴ق، ج ۳۱، ص ۲۶۶.

۱۱. یک نمونه از قاعده تحذیر را می‌توان در ماده ۳۳۳ قانون مجازات اسلامی مشاهده کرد: بر اساس این ماده: «در مواردی که عبور عابر پیاده ممنوع است اگر عبور نماید و راننده‌ای که با سرعت مجاز و مطمئن در حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته است و در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نموده و منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد، راننده ضامن دیه و خسارت وارده نیست.»

در اینجا علائم هشدار دهنده مبنی بر ممنوعیت عبور عابر پیاده وجود دارد و عدم مسئولیت را می‌توان بر اساس تحذیر توجیه کرد.

نمونه دیگر در قانون ایمنی راه‌ها و راه آهن مصوب ۱۳۴۹/۴/۷ است که پیش تر متن آن بیان گردید.

فهرست منابع

قرآن کریم

- احمد بن محمد الحلی (ابن فهد)، الرسائل العشر، قم، مکتبة السید المرعشی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
 احمد بن محمد المقدس الاردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
 جعفر بن الحسن الحلی (محقق حلّی)، شرایع الاسلام، نجف، مطبعة الآداب، چاپ اول، ۱۳۸۹ق.
 حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
 حسن بن ابی طالب الیوسفی (فاضل آبی)، کشف الروز، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
 حسن بن یوسف الحلّی (علامه حلّی)، قواعد الاحکام، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

زین الدین العاملی (شهید ثانی)، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، قم، مكتبة داوری، ۱۴۱۰ق.
 زین الدین بن علی العاملی (شهید ثانی)، مسالك الافهام، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه، قم، دوم، ۱۴۱۶ق.

سید ابوالقاسم الخوئی، مبانی تکملة المنهاج، قم، دارالهادی، ۱۳۹۶ق.
 سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، مهذب الاحکام، قم، دفتر مؤلف، چاپ چهارم، ۱۴۱۶ق.
 سید محمدحسن بجنوردی، القواعد الفقهية، قم، نشر الهادی (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
 سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه بخش مدنی ۲، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
 شهاب الدین احمد التویری، نهاية الأرب في فنون الأدب، بیروت، دارالکتب العلمیه چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
 علی اکبر دهخدا، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.
 غلامرضا انصاف پور، کامل فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات زوار، چاپ ششم، ۱۳۸۴.
 محمد ابن ادريس الحلّی، کتاب السرائر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
 محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، بیروت، مؤسسه آل البيت (ع)، بی تا.
 محمد بن حسن الحلّی (فخرالمحققین)، ایضاح الفوائد، قم، مطبعة العلمیه، ۱۳۸۸ق.
 محمد بن حسن الطوسی، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوي، قم، انتشارات قدس محمدی، بی تا.
 محمد بن حسن الطوسی، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب السلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
 محمد بن حسین الموسوی (سید رضی)، خصائص الائمة، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۰۶ق.
 محمد بن علی الطوسی (ابن حمزه)، الوسيلة الي نيل الفضيلة، قم، مكتبة السيد المرعشي، ۱۴۰۸ق، ص ۴۲۵.
 محمد بن علی بن بابويه القمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه المدرسين، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

محمد بن نعمان العکبری (شیخ مفید)، المنقعه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم.
 محمد بن نعمان العکبری (شیخ مفید)، المنقعه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
 محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
 محمد مکی العاملی (شهید اول)، اللمعة الدمشقية، قم، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
 محمدحسن النجفی، جواهر الکلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا، چاپ ششم.
 محمود حکمت نیا، مسؤولیت مدنی در فقه امامیه - مبانی و ساختار، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶.

والتر. تی جامپیون جونیور، مبانی حقوقی ورزش ها- مسؤولیت مدنی در ورزش، ترجمه حسین آقایی نیا، تهران، نشر دادگستر، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.

عبدالرزاق احمد السنهوری، الوسيط فی شرح القانون المدني، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

C.F.Padfield, Law Made Simple, oxford, 7th Edition 1989.G.H .Trite 1, Law of Contract, London, Sweet and Maxwell, 9th Edition, 1995.

Henry Campbell Black. Black's law dictionary: definitions of the terms and phrases of American and English jurisprudence, ancient and modern, 6th ed. St. Paul. Minn. 1993.

John Wilman Brown, GCSE Law, Landon, Maxwell and Sweet, 1989.

Natasha schot, Negligent liability in sport, Queensland, Bond University, 2005, *The Times newspaper*, 24 October 1972.

یادداشت شناسه مؤلف

محمد مهدی مقدادی: استادیار دانشگاه مفید.

پست الکترونیک: meghdadi@mofidu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۹/۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۱/۱۱